

حماسه حسینی از ابعاد گوناگون تاریخی، الهیاتی، جامعه‌شناختی، سیاسی و معنوی قابل مطالعه است و ما هنوز تحلیل جامعی از این حماسه به دست نیاورده‌ایم.

کار دیگر ترویج و معرفی آن به جهانیان است. اگر حق جوانان و آزادی‌خواهان جهان امام حسین علیه و عاشورا را بشناسند، شیفته آن خواهند شد. در این جهت نیز، ما کار قابل ذکری نکرده‌ایم.

کار سوم کوشش برای درس گرفتن از این حماسه برای فرهنگ‌سازی و تمدن‌آفرینی است. وقت آن رسیده است که از ظرفیت‌های بی‌پایان حماسه عاشورا در جهت اصلاح جامعه بهره ببریم.

دکتر محمد فنایی اشکوری در گفت وگویی به بررسی ابعاد مختلف حماسه عاشورا و آسیب شناسی مراسم عزاداری امام حسین علیه پرداخته‌اند که مشروح آن بدین شرح می باشد.

❖ **لطفاً قدری درباره جایگاه حماسه عاشورا در فرهنگ شیعه توضیحی بفرمایید.**

● حماسه عاشورا و نهضت سالار شهیدان علیه از عناصر اصلی هویت‌بخش به فرهنگ شیعی است. به عبارت دیگر، عاشورا شناسنامه و پرچم تشیع است. بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و فلسفه نبوی و همین‌طور واقعه غدیر و ولایت علوی در حماسه عاشورا حضور و تجلی دارد و احیا شده است. حماسه حسینی نمایش عینی آموزه‌های قرآن است و انسان تربیت‌شده قرآنی را تجسم بخشیده است. این حماسه که فلسفه‌اش عزت، حریت، کرامت، دیانت، شجاعت، عدالت و معنویت است، عصاره ارزش‌های دین اسلام و مذهب تشیع را در خود دارد و بزرگ‌ترین سرمایه اعتقادی و معنوی و تاریخی اسلام ناب و تشیع علوی است. تشیع با چنین سرمایه عظیمی، می‌تواند نظر حق جوانان و عدالت‌خواهان عالم را به خود جلب و بشريت را به سوی خود جذب کند و با استفاده از این میراث بی‌بدیل، جهانی نو و تمدنی تازه بنا کند؛ چراکه آن ارزش‌های معنوی، اخلاقی و اجتماعی که بشر می‌خواهد و می‌جوید، در این حماسه به کمال و زیبایی حضور دارد و نکته مهم این است که این حماسه شبیه و بدیل و جای‌گزینی ندارد و هیچ حرکت اجتماعی و قیامی و حماسه‌ای نمی‌تواند در این جهت با آن رقابت کند.

❖ **آیا حماسه عاشورا و پیروی از امام حسین علیه مختص به شیعیان است یا دیگران نیز می‌توانند از این حماسه درس بیاموزند و الهام بگیرند.**

● پیام حماسه شکوهمند حسینی فقط برای شیعیان نیست؛ بلکه این پیام جهانی، فراتاریخی و فرامکانی است. مخاطب امام حسین علیه بشریت است. امام حسین علیه در پی احیای ارزش‌های بنیادی و اصیل انسانی است. می‌توان گفت قیام و پیام امام حسین علیه لایه‌ها و سطوح مختلف دارد. در یک سطح مخاطب آن حضرت همه بشریت است؛ حتی کسانی که به دینی وابسته نیستند؛ چراکه ارزش‌های بنیادی بشری در فطرت انسان‌ها و مشترک بین همه است. حریت، عدالت و عزت برای هر انسان سلیم الفطره‌ای مطلوب است و آرمان همه جوامع است. در لایه و سطح دیگر، مخاطب امام حسین علیه متدینان هستند. پیروان ادیان اوحی و مسلمان و مسیحی و یهودی و غیر آن، از آن جهت که به خدا و وحی و قیامت معتقد هستند، مخاطب امام حسین علیه هستند. ایشان قیام علیه ستم و مبارزه برای استقرار عدالت را یک وظیفه دینی و الهی می‌بیند. از این جهت است که شخصی مانند مه‌تاماگاندی برای مبارزه با استعمار اشغال‌گر و ستمگر انگلیس از امام حسین علیه الهام می‌گیرد و خود را پیرو او می‌داند. در سطح سوم مخاطب امام حسین علیه همه مسلمان‌ها هستند؛ اعم از شیعه و سنی. شعارهای امام حسین علیه و اهدافی که برای قیامش ذکر می‌کند، اختصاصی به شیعه ندارد. او از احیای سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ظلم و ستم و اصلاح امت سخن می‌گوید که کمترین رنگ فرقه‌ای ندارد؛ بلکه به همه امت اسلامی مربوط است. از این‌رو، پیام واقعه کربلا اختصاص به شیعه ندارد و بزرگداشت این واقعه و سوگواری و حزن و ماتم آن، وظیفه همه مسلمانان راستین است. از این جهت است که بسیاری از اهل تسنن نیز در بزرگداشت امام حسین علیه و عزاداری حادثه عاشورا مشارکت دارند. بیشترین آثار علمی درباره قیام حسینی را علمای سنی نوشته‌اند. متأسفانه امروزه توجه به حماسه حسینی در برخی از جوامع سنی کم‌رنگ شده است و علمای معاصر سنی بر خلاف پیشینیانشان، توجه کمتری به این حماسه عظیم و باشکوه تاریخ اسلام دارند و یکی از علل سلطه مستبدان و استعمارگران بر این جوامع نیز، همین غفلت است؛ ملتی که با امام حسین علیه آشنا باشد و خون حسینی در رگ‌هایش بجوشد، هیچ‌گاه حاکم فاسدی همچون آل‌سعود را تحمل نخواهد کرد. در سطح چهارم قیام امام حسین علیه پیام و معنای خاصی برای شیعیان دارد؛ از آن‌جهت که از دیدگاه شیعه، امام حسین علیه امام معصوم و حجت خداست و جز به الهام الهی کاری را انجام نمی‌دهد. از این نگاه، قیام حسینی صبغه قدسی و الهی پیدا می‌کند و بر این منبسات که سنت و سیره او حجت و واجب‌الاتباع است. معرفت و محبت به امام و اطاعت و پیروی از او، از دیدگاه شیعه واجب است. در این نگاه امام حسین علیه وارث همه انبیا از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله است. السلام علیک یا وارث آدم صفوةالله... السلام علیک یا وارث محمد حبیب‌الله.

❖ **با توجه به ظرفیت عظیمی که در حماسه حسینی هست، ما**



حکمت حماسه عاشورا و آسیب‌شناسی عزاداری‌ها

گفت‌وگو با دکتر محمد فنایی اشکوری

داشته باشید، روی چه نقاطی تأکید می‌کنید؟

● آسیب‌شناسی و برخورد نقادانه و اصلاح‌گرانه درباره هر پدیده اجتماعی تأثیرگذار ضروری است. نقد و ارزیابی و نگاه آسیب‌شناسانه و نقادانه، لازمه رشد و پیشرفت است. همه عناصر اصلی مرتبط با بزرگداشت حماسه حسینی نیازمند بازنگری و نقد و اصلاح مستمر است. از وعظ و سخنرانی و مداحی تا نحوه عزاداری مردم و شیوه برگزاری مجالس، نیازمند بازنگری و اصلاح همیشگی است. اگر بخواهیم حق این آسیب‌شناسی را ادا کنیم، باید یک کتاب مفصل در این زمینه نوشت؛ اما در اینجا به –طور گذرا به چند نکته مهم اشاره می‌کنم. می‌دانیم که جهان شیعی پهناور و متنوع است؛ از عراق و لبنان و بحرین تا ایران و آذربایجان و افغانستان و هند و پاکستان و دیگر نقاط را شامل می‌شود. منظور ما از ذکر نکات انتقادی این نیست که این مشکلات در همه محافل شیعی هست؛ بلکه محافل و مناطق مختلف از این جهت متفاوتند. به‌طور کلی می‌توان گفت لازم است، محتوای سخنرانی‌ها سال به سال عمیق‌تر و دقیق‌تر شود. تحلیل و تفسیر واقعه عاشورا و فلسفه و اهداف آن، باید به‌خوبی و بر اساس مبانی استوار عقلی و دینی و تاریخی به مردم ارائه شود. لازم است، محتوای اشعار مداحان به‌طور مستمر بازنویسی و پیراسته شود. از اغراق‌گویی، نقل وقایع بی‌پایه، خرافات‌گرایی و سخنان عامیانه و بی‌پایه جدا باید رهایز شود. ما متأسفانه همه این مشکلات را داریم. یکی دیگر از مسائلی که تناسبی با حماسه سالار شهیدان ندارد و متأسفانه روز به روز پرنیگ‌تر می‌شود، مسائل مادی است. من معتقدم، تنها کسانی که عاشق امام حسین علیه هستند، باید از سخن بگویند و برای او مداحی و نوحه‌سرایی کنند. نمی‌گویم پول گرفتن برای این کارها اشکال شرعی دارد؛ اما عرض این است که تبدیل شدن این کارهای مقدس و عاشقانه به یک شغل برای کسب درآمد، دور شدن از فلسفه عزاداری است و از تأثیر آن می‌کاهد. رواج خرافه‌گرایی و عوام‌زدگی در شکل عزاداری مثل زنجیرزدن‌های نامتعارف و با بدن لخت و باتر از همه، قمه زدن و با سر و بدن خون‌آلود ظاهر شدن، صحنه‌هایی را به وجود آورده که دشمنان شیعه را شاد کرده و بهانه‌ای برای تخریب چهره تابناک تشیع به دست بدخواهان و تفرقه‌افکنان داده است. وضعیت نظم و نظافت و بهداشت و سازمان‌دهی محافل و دسته‌جات هم لازم است، سال به سال بهبود و ارتقا باید. البته این امر تابع فرهنگ عمومی ماست و اختصاصی



باید بدانیم که حسینی بودن، تنها به پیراهن سیاه و شال عزا و گریه و ماتم نیست. امام حسین علیه ۵۷ سال زندگی کرد. عاشورا یک روز از زندگی او بود. صد البته که این یک روز، بسیار با عظمت است و یک تاریخ است. اما آیا امام حسین علیه پیش از قضیه عاشورا الگو و اسوه نبود؟ آن حضرت چگونه شخصیتی داشت و در تمام عمرش چگونه زیست؟ امام حسین علیه پیش از عاشورا همان‌قدر الگو و اسوه است که پس از عاشوراست؛ لیکن مهم تشخیص موقعیت است. امام حسین همیشه در جنگ و مصیبت و شهادت نبود. حسینی بودن و پیروی از امام حسین این است که به تمام زندگی ایشان توجه کنیم و سیره او را تعقیب کنیم و در راه اهدافش گام برداریم. بنابراین تنها با عزاداری نمی‌توان حسینی شد و ادعای پیروی از سیره آن حضرت را داشت. آنچه بر همه شخصیت و زندگی امام حسین علیه در تمام عمرش حاکم است، عبودیت و عمل به تکلیف است. امام حسین علیه عبد شایسته خداست و در هر شرایطی به وظیفه‌ای که در آن شرایط دارد، عمل می‌کند. حسینی کسی است که صفات و ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و معنوی او شبیه به امام حسین علیه باشد، نه کسی که هیچ شباهتی به امام حسین ندارد؛ اما فقط برای امام حسین علیه عزاداری می‌کنند این سخن، هم درباره فرد صادق است و هم درباره جامعه. کدام جامعه و شهر حسینی‌تر است؟ آن جامعه و شهری که مردمش در ایام محرم سیاه‌پوش می‌شوند و از همه جا بیرق عزا بلند است و از بلندگوها عزای امام حسین علیه پخش می‌شود و بیشتر و شدیدتر از جاهای دیگر عزاداری می‌کنند؛ اما از عدالت و اخلاق و انصاف و انسانیت و تقوا و طهارت بهره چندانی ندارد؟ یا جامعه‌ای که این ارزش‌ها را دارد؛ اما عزاداری‌اش به آن شدت نیست؟ البته بین اینها تنافی نیست و جامعه مطلوب آن است که هر دو را با هم دارد. بی‌شک مردمی که برای امام حسین علیه عزاداری می‌کنند، به آن حضرت عشق می‌ورزند و عزاداری آنها ابراز عشق آنها به سید و سالار شهیدان است؛ اما هنگامی که تأثیر مثبت این عزاداری را در خیابان و بازار و اداره و دیگر عرصه‌های حضور مردم بسیار کم‌رنگ می‌بینیم، معلوم می‌شود، نسبت بین عشق به امام حسین علیه و دینی و اخلاقی زیستن روشن نشده است؛ یعنی این فرهنگ نهادهنه نشده است که عشق به حسین علیه مستلزم رفتار بهتر و اخلاقی‌تر یا انسان‌هاست. لازمه عشق به حسین علیه، رواج مهرورزی و نیکوکاری و کاهش آمار انواع جرائم و تخلفات است. این اشکال متوجه کسانی است که در ماجرای عزاداری، تربیون در اختیار

آنهاست . آنها آن‌گونه که در تهییج احساسات پاک و مقدس موفق بوده‌اند، در دادن بینش عمیق حسینی توفیقی نداشته‌اند و یا خود از این بینش بهره چندانی ندارند. اگر این‌گونه نیست، این تناقض باید حل شود و این سؤال باید پاسخ داده شود که چگونه می‌شود که عشق به امام حسین علیه در حد آمدگی برای جان‌فشانی باشد؛ اما مناسبات انسانی و اخلاقی در جامعه تا این حد ضعیف و حتی بحرانی باشد!

❖ **فلسفه عزاداری برای امام حسین علیه چیست و چه ضرورتی دارد؟**

● بزرگداشت شهادت امام حسین علیه و یارانش و زنده نگداشتن حادثه کربلا برکات و ثمرات بسیاری دارد. عزاداری برای امام حسین و اشک ریختن بر مصائب او، لازمه انسانیت و اسلامیت است. امام حسین علیه همه هستیش را در راه خدا و احیای دین خدا و اصلاح امت ایثار کرد. چگونه می‌توان در برابر چنین ایثار عظیمی بی‌تفاوت بود. عزاداری برای امام حسین علیه اگر از روی معرفت باشد، روح حماسی را زنده نگاه می‌دارد و ارزش‌های متعالی را که امام حسین برای احیای آنها قیام کرد، ترویج می‌کند. عشق به امام حسین علیه، عشق به ارزش‌های والای انسانی است. عشق به عدالت، اخلاق، معنویت، انسانیت، عزت و جوانمردی است. بقای تشیع مرهون عاشوراست. عاشورا سرمایه گران بها و ب بدیلی برای تشیع است. ائمه ما علیهم السلام بر شهادت جد مظلوم‌شان می‌گریستند و مجالس عزا برپا می‌کردند و شاعران را تشویق می‌کردند که در رثای سید و سالار شهیدان نوحه بسرایند. از حضرت امام عصر علیه السلام روضه جان‌سوزی درباره جد غریبش رسیده است که دل‌ها را آتش می‌زند. در زیارت ناحیه مقدسه چنین با جد مظلومش سخن می‌گوید: سلام بر آن محاسن به خون خضاب‌شده، سلام بر آن گونه خاک‌آلوده، سلام بر آن بدن برهنه، سلام بر آن ندان چوب‌خورده، سلام بر آن سر بالای نیزه‌رفته، سلام بر آن بدن‌های برهنه و عریان که در بیابان رها شدند... تا می‌رسد به اینجا که می‌فرماید: جا دارد صبح شام در مصیبت تو ناله کنم و به‌جای اشک خون بگیرم: «لَا دُعَايَكَ ضَيَّاحًا وَمَسَاءً وَلَا كَبِيرًا لَكَ بَدَلُ الدُّمُوعِ دَمًا». در روایات فضایل بسیاری بر گریه بر امام حسین علیه و زیارت قبر مطهرش ذکر شده است که مشهور است.

اینکه می‌توانیم آزادانه برای امام حسین علیه عزاداری کنیم، باید شکر کنیم. در طول تاریخ بسیار بوده است که شیعیان نمی‌توانستند عزاداری کنند. در طول تاریخ تحت حاکمیت خلفای جور اموی و عباسی، زیارت قبر امام حسین علیه جرم محسوب می‌شد و زائران به شدیدترین وجهی سرکوب می‌شدند. همین امروز هم، شیعیان در بسیاری از مناطق دنیا برای عزاداری امام حسین علیه آزاد نیستند؛ مثل عربستان، بحرین، کشمیر، نیجریه، اندونزی و نقاطی از افغانستان و پاکستان که تحت تسلط وهابیون است. گاهی مجالس عزاداری آنها توسط تروریست‌های متعصب وهابی به خاک و خون کشیده می‌شود. کمتر عاشورایی است که در جمع عزاداران شبیه پاکستانی بمب منفجر نشود و جمع زیادی بر شهادت نرسند. شیعیان عراق در زمان حاکمیت صدام، حق عزاداری نداشتند. عزاداری شیعیان نیجریه در سال ۲۰۱۵ با تحریک آل‌سعود توسط ارتش این کشور به خاک و خون کشیده شد و صدها تن از شیعیان نیجریه قتل عام شدند و شیخ زاکراکی رهبر شیعیان نیجریه مجروح و زندانی شد. یزیدیان امروز هم هستند و راه اسلاف پلیدشان را ادامه می‌دهند. البته این مخالفت‌ها و ممانعت‌ها هرگز نمی‌تواند از عشق مردم به امام حسین علیه بکاهد یا باعث فراموشی واقعه عاشورا شود. چنانکه می‌بینیم در مواردی نفس برگزاری عزاداری برای امام حسین علیه بزرگترین وظیفه و بالاترین جهاد است و خود نوعی حماسه‌آفرینی و ایثار است. اهتمام به عزاداری، حماسه کربلا را تا به امروز زنده نگاه داشته است؛ حتی اگر درس‌های لازم از حماسه عاشورا آموخته نشود، نفس همین زنده نگذاشتن یاد عاشورا برکات بسیاری دارد و همچون آتش زیر خاکستری باقی خواهد ماند تا در زمان مناسب شعله‌ور شود و بساط ستم‌گران عالم را بسوزاند؛ اما وقتی به شرایط فعلی کشورمان برمی‌گردیم، می‌بینیم امروز مسئولیت ما در قبال این حماسه، بسی بیش از عزاداری و بزرگداشت سِرگ و امروز مردم دنیا، چشم به ایران دوخته‌اند تا ببینند، مردم شیعه ایران با چنین میراث غنی و ارزشمندی چه نوع جامعه و فرهنگ و تمدنی را خواهند ساخت و جامعه‌ای که امام حسین علیه و حماسه کربلا را الگوی خود قرار داده است، چگونه جامعه‌ای است. در این موقعیت اگر ما به مسئولیت استثنایی خود در این نقطه عطف تاریخ شیعه بی‌توجهی یا کم‌توجهی کنیم، ظلم بزرگی به اسلام، تشیع و فرهنگ حسینی کرده‌ایم. انبجاست که عشق به امام حسین علیه ابراز شور و هیجان و برگزاری سِرگ و ماتم در شهادت سالار شهیدان و یاران باوفا و فداکارش، باید همراه شود با حسین‌گونه زیستن و بنای جامعه‌ای با فرهنگ حسینی. از مهمترین شاخصه‌های این فرهنگ، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی است. فرهنگ حسینی ظلم را در هیچ جامعه‌ای و از سوی هیچ‌کسی و به هیچ بهانه‌ای نمی‌پذیرد و جامعه حسینی بی‌عدالتی را برنمی‌تابد. نه خود اهل ظلم است و نه در مقابل ظلم به دیگران بی‌تفاوت و ساکت می‌نشیند.

نه ظلم کن به کسی و نه زیر بار ظلم برو

که این مرام حسینی است و منطق دین است

گرچه مکاتب مادی شرقی و غربی و سوسیالیستی و لیبرالی اصولاً به مسئله قیامت در مناسبات قدرت رسمیتی قائل نیستند؛ اما مکتب سیاسی اسلام مرز رابطه قدرت و قیامت را حتی به مخاطبانی غیر از انسان (به‌عنوان شهروند جامعه سیاسی) می‌کشدند و تعاملات حتی با حیوانات و طبیعت را متأثر از مسئله قیامت می‌داند. موارد متعددی از روایات و سیره امام سجاد علیه در دست است که مناسبات مذکور در آنها، طبق همین مبنای قرآنی سامان پذیرفته است؛ (علاوه بر رساله حقوق حضرت که در آن، از حقوق حیوانات و... نیز سخن گفته شده است)، سرگذشت زیر نیز، گویای این واقعیت است که حضرت حتی در نوع رفتارش با حیواناتی که بر آنها تسلط و تملک داشت، بین اعمال قدرت و قیامت رابطه برقرار می‌کرد. نقل شده است که امام سجاد علیه بیست بار با یک شتر از مدینه به مکه برای حج رفت و در تمام این بیست سفر که هر کدام حدود هشتاد فرسخ بود، حتی یک‌بار به‌صورت شتر شلاق نزد و هر بار که شتر آهسته می‌رفت، امام تازیانه را بلند و اشاره می‌کرد تا شتر راه برود و می‌فرمود: «لو لا خوف الآخر لفعلت»؛ اگر ترس از آخرت نبود، می‌زدم. (اعیان‌الشیعه، ج۱ص ۶۳۴) البته این حدیث در اکثر منابع به این صورت آمده است: «لَوْ لَا خَوْفُ الْآخِرَاصُ لَفَعَلْتُ» (مناب‌آل‌ابی‌طالب علیه، ج۴، ص ۱۵۵) که منظور از قصاص انسان به‌خاطر حیوانات، قصاص در آخرت است. این نمونه‌ای از نحوه کاربست قدرت بخوان از این مجمل، در مورد مناسبات قدرت و قیامت در نحوه تعامل با شهروندان و مردم در سیره قرآنی ائمه نور.

مناسبات قدرت و قیامت در مکتب قرآنی امام سجاد علیه

نوشتاری از حجت‌الاسلام محمد عابدی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

صاحبان قدرت در قیامت به دروازه سعادت نزدیک‌تر خواهند شد؛ پس چنین معادله‌ای در سیاست و حکومت مطلوب است یا اگر مناسبات به‌گونه‌ای باشد که صاحبان قدرت را در قیامت دچار مشکل کند و حیات اخروی آنان را متأثر سازد، چنین جریانی نامشروع و نامطلوب است و ده‌ها مثال از این دست.

در مکاتب سیاسی عصر مدرنیته مرز سعادت و شقاوت، رفاه و فقر، عدالت و بی‌عدالتی و امنیت و ناامنی فقط با لحاظ رفاه، سعادت و امنیت دنیایی سنجیده می‌شود و مناسبات قدرت بر مدار دنیا سامان می‌یابد و فلسفه‌های سیاسی غربی، عموماً نگاه‌های حای صرفاً مادی به انسان دارند (رجبی، محمود؛ انسان‌شناسی، ص۱۴۲) حیات فرامادی او را ناپیده می‌گیرند و معتقدند، صرفاً قوانین طبیعت، مثل دیگر مواد، بر انسان حاکم است(مغنیه، محمّدجواد، فلسفه مبدا و معاد، ص ۱۲۴).

تنها مکاتب سیاسی برخاسته از دین الهی، «نسبت قدرت و قیامت» را مطرح می‌سازند و تمام معاذلات قدرت در آنها بر مبنای سعادت اخروی و تأمین حیات طیبه بشری در آخرت طراحی می‌گردد. در مکتب قرآن و اسلام از مسئول بودن انسان در برابر نعمت‌های الهی همچون ولایت و رهبری و بازخواست شدن در قیامت، یاد می‌شود: «ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ تَوْبَتَهُ



در جهان سیاست به هرچه در «مناسبات قدرت» اهمیت داده شود، به مسئله «قیامت» عنایتی نمی‌شود و در هیچ کتاب سیاسی کلاسیک و دانشگاهی، از تأثیر متقابل قدرت و قیامت اثری به چشم نمی‌خورد؛ مانند اینکه اگر نحوه جریان قدرت یا اعمال حاکمیت بر عموم شهروندان یا اقلیت‌ها یا مخالفان و... برای مثال بر مدار عدالت باشد،

